خبر

مشارکت هنرمندان در احداث پارک بازی کودکان سیل‌زده

● **گروه هنر:** هم‌زمان با فرارسیدن ایام سوگواری اباعبدالله الحسین(ع)، اجرای نذر ۵۰۰ پارک بازی کودکان در روستاهای آسیب‌دیده از سیل و محروم کشور به همت هنرمندان آغاز شد. مکی یازع، دبیر جشنواره‌های خودجوش دانش‌آموزی فیلم دفاع مقدس گفت: «با همت همگانی خیرین، هنرمندان، جانبازان و دیگر اقشار مردم، طرح نصب حداقل ۵۰۰ پارک بازی کودکانه در ایام سوگواری محرم و صفر، در مناطق سیل‌زده آغاز و با گسترش به مناطق دیگر ازجمله سیستان و بلوچستان، کرمان و... تا پایان سال ادامه خواهد داشت».

او افزود: «در اجرای این طرح، روند ایجاد نشاط سالم در روحیه این کودکان با رویکرد به سنت‌های مرسوم منطقه، مدنظر قرار گرفته تا در کنار نذرهای مرسوم با توجه به ایام سوگواری اباعبدالله الحسین(ع)، مردم خیّر ایران بتوانند در این نذر و امر خیر با ظاهری متفاوت نیز شرکت کنند». مکی یازع ادامه داد: «تاکنون بودجه موردنیاز حدود صد دستگاه پارک بازی با مساعدت همه این عزیزان تأمین شده و در اولین مرحله این طرح، ۵۰ دستگاه از این نوع پارک‌ها با کف‌پوش و سیستم روشنایی مناسب، تا آخر هفته آینده در روستاهای دو شهر شادگان و سوسنگرد نصب و در اختیار بچه‌های این روستاها قرار خواهد گرفت». او گفت: «بسیاری از چهره‌های هنری ازجمله احسان علیخانی، نرگس کلباسی، پرویز پرستویی، رضا کیانیان، کیومرث پوراحمد، مالک سراج، سیدعلی صالحی، کورش سلیمانی، گوهر خیراندیش، شبنم مقدمی، افسانه بایگان، فاطمه معتمدآریا و... در اجرای این طرح مشارکت فعال خواهند داشت».

نمایشگاهی از عکس‌های کیارستمی، جلالی و تیرافکن

● **گروه هنر:** سالانه عکس گالری مژده، عصر جمعه، ۸ شهریور، با ارائه آثار ۷۴ هنرمند افتتاح می‌شود. در این نمایشگاه آثاری از عباس کیارستمی، بهمن جلالی، مهدی سحابی، صادق تیرافکن، سیف‌الله صمدیان، جاسم غضبان‌پور، رعنا جوادی، شادی قدیریان، سیامک زمردی‌مطلق، پیمان هوشمندزاده، آرمان استپانیان، افشین شاهرودی، فرشاد فرشته‌حکمت، محمد فرنود، مجید کورنگ‌بهشتی، مهدی مقیم‌نژاد، مهدی منعم، سروش میلانی‌زاده، جاوید سپهر، بابک کاظمی، جاوید رمضانی، سارا ساسانی، بابک حقی و... به نمایش درخواهد آمد. سالانه عکس گالری مژده از ساعت ۱۶ الی ۲۰ روز جمعه در گالری مژده، واقع در سعادت‌آباد، خیابان علامه شمالی، کوچه هجدهم شرقی، پلاک ۲۷ افتتاح می‌شود. این نمایشگاه تا ۱۵ شهریورماه برپاست و به غیر از شنبه‌ها، هر روز امکان بازدید دارد.

مدیر اجرائی سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر معرفی شد

● **گروه هنر:** مدیرکل دفتر موسیقی و رئیس سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر، علی ثابت‌نیا را به‌عنوان مدیر اجرائی این جشنواره منصوب کرد. علی ثابت‌نیا، مدیرعامل انجمن موسیقی ایران، موسیقی ردیف دستگاهی و مقامی شرق خراسان را می‌شناسد و مدیریت اجرائی دوازدهمین و سیزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان را در کارنامه خود دارد.

اقتباس سینمایی از برگزیده ادبی جایزه «اندرزگو»

● **گروه هنر:** نسخه سینمایی اثر برگزیده جایزه ادبی شهید اندرزگو ساخته می‌شود.

به گزارش روابط‌عمومی سازمان هنری رسانه‌ای اوج، در راستای حمایت از کتاب، ادبیات و سینمای اقتباسی، یکی از پنج اثر برگزیده جایزه ادبی شهید علی اندرزگو تبدیل به فیلم سینمایی می‌شود.

برگزیدگان نخستین دوره جایزه ادبی شهید اندرزگو در سه بخش داستان و رمان کودک و نوجوان، تاریخ شفاهی روایت انقلاب و داستان و رمان بزرگسال، سوم شهریور در حوزه هنری معرفی شدند.

برگزیدگان این جایزه کتاب‌های «باغ خرمالو» نوشته هادی حکیمیان از انتشارات شهرستان ادب، «اوسنه گوهرشاد» نوشته سعید تشکری از انتشارات به‌نشر، «عاشقی به سبک ون‌گوگ» نوشته محمدرضا شرفی خبوشان از انتشارات شهرستان ادب، «دو روایت از یک عکس» نوشته ابراهیم حسن‌بیگی از انتشارات سوره مهر و «یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار» نوشته موسی حقانی از مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران پنج برگزیده جایزه شهید اندرزگو بودند که یکی از این پنج اثر با همت سازمان هنری رسانه‌ای اوج تبدیل به فیلم خواهد شد. سازمان اوج پیش از این در حمایت از کتاب و ادبیات، مبادرت به ساخت فیلم سینمایی «۲۳ نفر» با اقتباس از کتاب «آن بیست‌وسه نفر» کرده بود.

شام و ناهار هیچ، آفتابه لگن هفت دست!

فرانک آرتا

از شواهد امر این‌گونه به نظر می‌رسد که رئیس سازمان سینمایی علاقه فراوانی به پیشبرد کارها و امورات سینما از طریق تشکیل «شوراها» دارد. برای مثال، چندی پیش با حکم‌دادن به برخی از افراد شاغل در وزارت ارشاد با عنوان «اعضای شورای جشنواره‌ها»، مأموریت این شورا را رتق و فتق امور جشنواره‌ای دانست. چنانچه در حکم اعضای این شورا هم آمده بود: «انتظار این است با همفکری و همکاری سایر اعضا، ضوابط و شاخص‌های صدور مجوز و حمایت‌های این حوزه تدوین و منتشر شود و در رسیدگی به درخواست‌ها، کیفیت مورد توجه قرار گیرد تا ضمن مقابله با آفت جشنواره‌زدگی، به اعتلای سینمای ایران کمک کند».

هر چند منتظر خروجی و دستاورد این شورا هستیم. اما همچنان تکلیف دبیر آتی جشنواره جهانی فیلم فجر معلوم نیست! از ظواهر امر این‌گونه استناد می‌شود که به هر صورت «رضا میرکریمی» رفتنی است. اما اینکه حسین انتظامی حکم برکناری او را امضا خواهد کرد یا نه، سؤالی است که باید منتظر پاسخ آن ماند!

هنوز جوهر تشکیل این شورا خشک نشده که هم‌زمان با برگزاری سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، خبری منتشر شد مبنی بر اینکه طی احکامی از سوی رئیس سازمان سینمایی، «هیئت رده‌بندی سنی آثار سینمایی» معرفی شدند.

حسین انتظامی اسامی این هیئت مرکب از ۳۰ شخصیت آشنا با فیلم و سینما در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی، تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و رسانه را به این شرح معرفی کرد: «مرضیه ابراهیمی، حمیدرضا ابکر، اسدالله اعلایی، محمود امانی‌تهرانی، عماد افروغ،

رضا امیرخانی، مرضیه برومند، رضا پورحسین، سمیه توحیدلو، مهدی تهرانی، مریم جلالی‌دهکردی، علی زرافشان، مهری زعفرانی، محمد سلگی، روح‌الله عالمی، افشین علا، مهرزاد دانش، مصطفی رحماندوست، فریدون عموزاده‌خلیلی، سیدعلی کاشفی‌خوانساری، محسن کاشانی‌وحید، عباس کاظمی، الهه کسمایی، میترا لبافی، جواد محقق، سیدمحمدتقی معراجی، سیدمحمدحسین نواب، مهدی نوید ادهم، وحید نیکخواه‌آزاد و محمدرضا وصفی».

انتخاب این افراد سؤالاتی را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند که اصولا بر اساس چه معیاری انتخاب شده‌اند. چون طبیعتا اعتبار افراد بر مبنای عملکردشان همسان نیست؛ برخی شناخته و برخی ناشناخته هستند. ضمن اینکه آیا این بار هم قرار است افرادی خارج از حوزه تخصصی سینما درباره این هنر مهم نظر دهند؟ اگر قرار است اعضا بر مبنای آموزه‌های تربیتی و از بعد روان‌شناسی و جامعه‌شناسی فیلم‌ها را بررسی کنند، این پرسش کلیدی مطرح می‌شود که مگر تاکنون فیلم‌ها بر اساس آموزه‌های «غیرتربیتی» ساخته شده‌اند؟ مگر یک فیلم‌نامه‌نویس از ابتدای نگارش کار تحقیق و پژوهش انجام نمی‌دهد؟ قطعا عقل سلیم حکم می‌کند در این مسیر سراغ بحث‌های تخصصی سوژه مورد نظر برود تا به فیلم‌نامه‌اش رنگ اعتبار و سلامت دهد... پس با این نگاه چرا باید چنین شورایی تشکیل شود؟ ضمن اینکه «جامعه‌شناسی» و «روان‌شناسی» دو علم پویا هستند که بر اساس تحولات به‌روز و کارآمد می‌شوند. هر یک بنا به گواه تاریخ تئوری‌های مختلف علمی را از سر گذرانده‌اند. مگر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به این سادگی‌هاست که از میان این همه متخصص در کشور فقط نمایندگان قلیلی انتخاب می‌شوند و قرار است درباره فیلم‌ها تصمیم بگیرند؟... جدا از این، چنین رویکردی به مبحث سلبی و خطرناک موازی‌کاری دامن می‌زند! آیا در سازمان سینمایی شورایی به نام «پروانه نمایش» ندارد؟ مگر رئیس محترم سازمان سینمایی بر وظایف این شورا واقف نیست؟

هر چند رده‌بندی سنی فیلم‌ها در همه جای دنیا مرسوم است. اما فراموش نکنیم فیلم‌های ۱۲+ و... در سینمای جهان به طور مشخص معنای خاصی دارد و در ایران بنا بر ساختار فرهنگی - سیاسی کشور چنین معنایی قابل استنباط نیست. چون طبق قانون و عرف در کشور ما، در همه فیلم‌ها اصول اولیه رعایت می‌شود. پس موضوع آن‌قدر پیچیده نیست. اما اگر هدف از این شورا ممانعت از ساخت کمدی‌های سخیف است، آقایان مسئول بهتر است سر از زیر لحاف بیرون بیاورند و سراغ تهیه‌کننده یا پخش‌کننده آن را بگیرند چراکه برخی از آنها به‌راحتی دستورات را دور می‌زنند! پیامد تشکیل چنین شورایی به‌وضوح و به‌راحتی می‌تواند مسیر ممیزی دوباره را هموار کند. اما اصلی‌ترین منطق رده‌بندی سنی، مراقبت از تأثیرپذیری کودکان و نوجوانان است که به‌راحتی چنین کاری را می‌توان به شوراهای تخصصی بنیاد سینمایی فارابی سپرد. پس بهتر است به کوچک‌سازی سازمان سینمایی فکر کنیم و درباره موضوعاتی که به‌راحتی قابل حل هستند، مصداق «شام و ناهار هیچ، آفتابه لگن هفت‌دست» را سرلوحه کارمان قرار ندهیم!

سینمای دولتی یا سینمای مستقل؟

پیام بهاری: سینما در ایران، بسته به نیازهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دو روش مدیریت می‌شود. پس از انقلاب، سینمای ایران مورد توجه نهادهای گوناگون دولتی برای فیلم‌سازی قرار گرفت. بنیاد سینمایی فارابی، مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، حوزه هنری، شهرداری، نیروی انتظامی، انجمن سینمای انقلاب دفاع مقدس، صدا و سیما و... نهادهایی هستند که در این سال‌ها با توجه به دغدغه‌های خود به ساخت فیلم روی آوردند. سؤال این است که آیا این نوع نگاه مدیریتی، مسئله چالش‌برانگیزی است؟

ساخت یک اثر هنری وابسته به هر نهادی می‌تواند کاری پسندیده و قابل اعتنا باشد و این ذات هنر است که افراد جامعه با هر گرایشی آزادانه اثری را خلق کنند. اما اثر ساخته‌شده به واسطه این نهادها به طور معمول سطح کیفی مناسبی ندارند و اگر به میزان هزینه تولید نسبت به فروش گیشه نگاهی بیندازیم، به این نتیجه می‌رسیم که این فیلم‌ها نزد مردم اقبال زیادی ندارند و از طرفی چگونگی و چرایی منابع تأمین‌شده هزینه‌های تولید در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

می‌توان دلایل چالش‌برانگیزشدن این مسئله را بررسی کرد. در نگاه اول، این نکته حائز اهمیت است که این‌گونه فیلم‌ها با بودجه‌های دولتی ساخته می‌شوند و اگر شکست سنگینی هم در گیشه برایشان اتفاق بیفتد، بازگشت سرمایه مسئله دغدغه‌مندی برای آنها نیست! در حالی که سرمایه در گردش مالی سینما از فردی که سالن سینما را در اختیار دارد، آغاز می‌شود و بعد از آن پخش‌کننده‌ها، مؤسسه‌های تبلیغات، عوامل سینما و حتی غرفه‌دارهای داخل سالن سینما از این چرخه اقتصادی جان می‌گیرند و این سرمایه در گردش، می‌تواند تضمینی برای حیات هنری و اقتصادی آنها باشد.

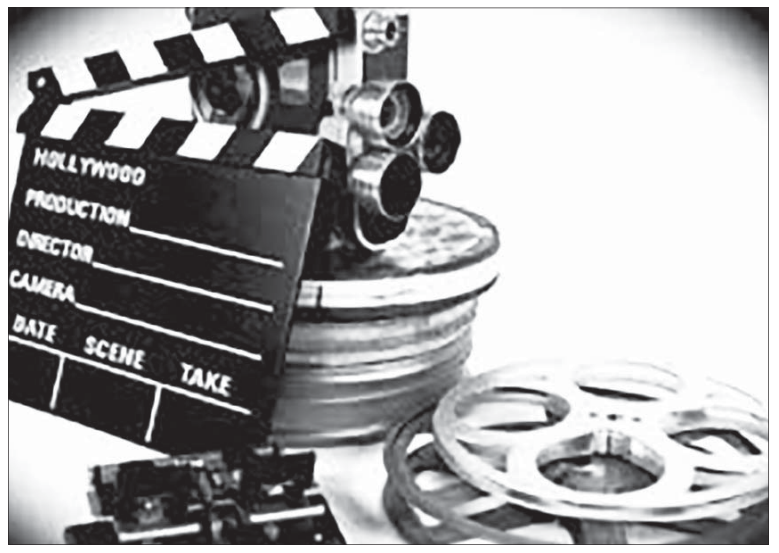

در نگاه دوم عدم پاسخ‌گویی این نهادها درباره تولیدهای خود از نظر کیفی و هزینه‌های آن، می‌تواند در شفاف‌سازی منابع مالی و شرایط چگونگی ساخت ممانعت ایجاد کند و دست آخر، حمایت از ساخت فیلم، نصیب افراد خاص با تفکر نزدیک به آنها می‌شود در حالی که شانس مساوی ساخت فیلم برای همه، می‌تواند طیف‌های متنوع عوامل سینما را در کنار هم قرار دهد تا با نگرش‌ها و زاویه دیدهای متنوع به مسائل جامعه پرداخته شود. حال باید این سؤال مطرح شود که آیا ساخت فیلم با بودجه‌های دولتی کار درستی است؟

در دل این جریان، افرادی با هزینه‌های شخصی آثاری تولید می‌کنند که این تولیدها می‌تواند در قالب فیلم‌های تجاری یا غیرتجاری و روشن‌فکرانه باشد؛ خواه همسو با نگرش موجود خواه مستقل از آن.

این گروه از تولیدات، سینمایی را به‌وجود می‌آورند که می‌توان نام آن را «سینمای مستقل» گذاشت. «سینمای مستقل» در دل این آشوب‌های مدیریتی قد علم کرده است ولی گله‌ای که تهیه‌کنندگان این نوع فیلم‌ها به نوع مواضع دولتمردان دارند، این است که چرا نهادهای نظارتی مواضع سخت‌گیرانه و گاهی غیرمنطقی درباره این تولیدات می‌گیرند (در مقابل تولیدات داخلی) که در مواردی باعث می‌شود برخی از این آثار تا چندین سال در توقیف مانده و سرمایه در گردش آنها از بین برود و دیگر آنکه بانک‌های خصوصی و مؤسسات اعتباری نقش خود را به عنوان سرمایه‌گذار در تولید این آثار ادا نمی‌کنند.

تهیه‌کنندگان آثار مستقل با سرمایه‌گذاری شخصی عملا ریسک بزرگی می‌کنند که یا به هدف تعیین‌شده که همانا فروش خوب در گیشه و بازگشت سرمایه است، می‌رسند و نتیجه آن تولید فیلم‌های بعدی‌شان است یا در گیشه شکست سنگین می‌خورند و از دایره فیلم‌سازی جدا می‌شوند و به نابودی می‌رسند.

آیا زمان آن نرسیده است که دولت به جای هزینه‌های هنگفت برای ساخت فیلم و رقابت با بخش خصوصی چاره‌ای دیگر بیندیشد؟

در حالی که واقفیم، مجلس اصل ۴۴ قانون اساسی را برای تسریع خصوصی‌سازی در کشور تصویب کرده است. اما همچنان دولت دست از تولید برنمی‌دارد.

دولت می‌تواند به جای ساخت فیلم، به بهسازی زیرساخت‌های سینما اعم از ساخت سالن سینما، شهرک سینمایی، آوردن تجهیزات فیلم‌برداری، نور، صدا و... بپردازد تا نقش حمایتی خود را در قبال علاقه‌مندان سینما و تولیدات باکیفیت سینمایی ارائه کند. از آنجا که یکی از عوامل اصلی رونق سینما، تماشاگران هستند، دولت می‌تواند به جای هزینه‌های میلیاردی برای ساخت یک فیلم بسته یارانه فرهنگی در نظر بگیرد.

حداقل در ماه یک بلیت رایگان همراه با یارانه در نظر گرفته شود تا تماشاگران بیشتری، مشتاق شوند و به سینما روی آورند زیرا در این شرایط اقتصادی نابسامان، شوخی است از مردمی که حتی در تأمین معشیت روزانه خود با دشواری‌های بسیاری مواجه هستند، انتظار داشت خرید بلیت سینما را نیز به هزینه‌های خود اضافه کنند.

هر چند راه‌حل‌های متنوعی برای حل این مسئله وجود دارد. اما بهتر است به این سؤال پاسخ داده شود که آیا مسئولان تمایلی به رفتن مردم به سینماها دارند؟

آیا سخن حمایت از سینمای مستقل در حد شعار است یا عمل و آیا زمینه‌سازی و ترویج فرهنگ در ردیف اول دغدغه‌ها جا می‌گیرد؟

قائم‌مقام مرکز تولید و فنی سیما پاسخ داد

چه کسی بهتر از مرحوم علی حاتمی

گروه هنر: قائم‌مقام مرکز تولید و فنی سیما درباره تغییر نام «شهرک سینمایی غزالی» به «شهرک تلویزیونی سینمایی ایران» (زنده‌یاد علی حاتمی)، توضیحاتی را مطرح کرد.

به گزارش ایسنا، احمد امیرحائری ـ قائم‌مقام مرکز تولید و فنی سیما- در حاشیه رونمایی از سردیس چهار هنرمند در شهرک سینمایی غزالی در گفت‌وگویی درباره تغییر نام این شهرک، توضیح داد: «اسم اولیه این شهرک غزالی بود که برخی هم فکر می‌کردند این نام منتسب به امام محمد غزالی است؛ در حالی که صاحب این املاک، شخصی به نام غزالی بود و از همان زمان به این اسم نام‌گذاری شد که ما مترصد تغییر نام بودیم. به این فکر کردیم که چه کسی بهتر از مرحوم علی حاتمی».

او ادامه داد: «۴۰ سال قبل زمانی که مرحوم علی حاتمی می‌خواست سریال «هزاردستان» را بسازد، این شهرک پی‌گذاری شد و از متخصصان ایتالیایی و طراحان صحنه دعوت به عمل آمد؛ کار از دکور خیابان لاله‌زار شروع شد. در این سال‌ها یعنی از حدود ۲۰ سال پیش اینجا در اختیار مرکز فنی و تولید صداوسیما قرار داده شد تا توسعه پیدا کند».

امیر حائری در ادامه با اشاره به وضعیت توسعه شهرک تلویزیونی و سینمایی ایران (زنده‌یاد علی حاتمی) گفت: «مجموعه این شهرک ۵۷ هکتار است، چاپخانه سروش و جام‌جم هم در اختیار خود مجموعه است. رئیس سازمان صداوسیما دستور دادند بخشی از سوله‌های دوهزارو ۵۰۰ متری ساخته شود که سریال‌های بزرگی مثل «حضرت موسی(ع)» و «سلمان فارسی» در آنجا کار می‌شود و ما تقریبا نزدیک به بیش از ۴۰ هکتار از مجموعه فعلی شهرک را در اختیار داریم که در نهایت به پیش از ۵۰ هکتار می‌رسد. بخشی از این مجموعه که در اختیار معاونت‌های دیگر سازمان صداوسیماست، قرار است به ما واگذار شود و از این پس کل این مجموعه با نام شهرک تلویزیونی سینمایی ایران (زنده‌یاد علی حاتمی) شناخته می‌شود».

قائم‌مقام مرکز تولید و فنی سیما در ادامه از برگزاری دوره‌های گریم و طراحی صحنه در شهرک تلویزیونی و سینمایی ایران (زنده‌یاد علی حاتمی) خبر داد که توسط کارشناسان خارجی برگزار می‌شود.

او درباره جزئیات برگزاری این دوره‌ها گفت: «در یک دوره، گریم اچ.دی را توسط گریمور مطرح در اروپا آموزش می‌دهیم تا گریمورهای ما با بحث گریم اچ‌دی آشنا شوند. بعد از آن امسال در رابطه با مدیریت شهرک‌های سینمایی تلویزیونی، مدنظر داشتیم که متخصصانی از رامبوجی هندوستان در اینجا حضور داشته باشند اما به دلیل مشکلاتی که پیش آمده بود، این اتفاق نیفتاد».

در ادامه یوگینی کُلد ـ قائم‌مقام مدیریت شهرک موس‌فیلم روسیه ـ در این دوره به ایران آمدند. در سه روز بحث‌های آموزشی داشتند. خود شهرک موس‌فیلم چیزی نزدیک به ۳۰ هکتار است و نزدیک به ساختار شهرک ماست و در آنجا کارهای بزرگی ساخته شده است. اثرهایی از بزرگان فیلم‌ساز روسیه در آنجا تولید شده‌اند. در شهرک موس‌فیلم بیشتر دیواره‌ها ساخته می‌شود. از خیابان‌های اصلی و محله‌های قدیمی مسکو که از قدیم از جنگ جهانی دوم بوده بازسازی شده و فقط بدنه بیرونی است؛ اما شهرک ما چندمنظوره کار می‌شود.

حائری در پایان گفت: «ما با شرکت موس‌فیلم تبادل اطلاعات می‌کنیم و قائم‌مقام مدیریت شهرک موس‌فیلم می‌گوید که چه تجربه‌هایی داشته‌اند و چه تجهیزات و امکاناتی را دارند. این کلاس‌ها محک‌زدن خود ماست که بدانیم در مقایسه با شهرک‌های تلویزیونی دیگر نقاط دنیا چگونه هستیم تا بتوانیم از تجربیات این دوستان برای توسعه و رشد شهرک سینمایی خودمان استفاده کنیم».

زیر درختان زیتون

انتخاب فیلم مستند با متر و معیارهای سینمای داستانی!

● **گروه هنر:** روز گذشته هیئت‌مدیره «انجمن مستندسازان سینمای ایران» متشکل از میلاد خالقی‌منش، شمیم مستقیمی، رضوان سرمد، زهره ارسنجون و مرتضی پایه‌شناس درباره انتخاب فیلم «در جستجوی فریده»، به کارگردانی آزاده موسوی و کوروش عطایی به‌عنوان نماینده سینمای ایران در مراسم آکادمی اسکار بیانیه‌ای منتشر کرد.

متن بیانیه به این شرح است: «انتخاب فیلم مستند «در جستجوی فریده» به‌عنوان نماینده‌ی سینمای ایران در مراسم اسکار امسال به خودی‌خود و بی هیچ پیشینه و قضاوتی، اتفاقی فرخنده و ارزشمند به نظر می‌آید و مستحق تبریک فراوان به عوامل فیلم و سینمای مستند کشور است.

اما فارغ از این‌که جشنواره‌ها و جوایز در طول چند دهه عمر سینمای بالنده‌ی مستند کشورمان نه هدف و متر و معیار که بهانه و وسیله‌ای برای شناساندن و رساندن فیلم‌های مستند به دست مخاطبینش بوده، انتخاب یک فیلم مستند برای اولین‌بار پس از انقلاب، آن هم توسط هیات انتخابی عمدتا دور از سینمای مستند، جای تامل و تعمق فراوان دارد».

در ادامه این بیانیه سؤالاتی مطرح شده است: «آیا این انتخاب نقطه‌ی عطفی در رویکرد و نگرش مدیران و هیات‌های انتخاب درباره‌ی فیلم مستند است؟

آیا برخی مدیران دست از تصمیمات عوام‌پسند برداشته‌اند و استراتژی‌های درون‌گرایانه‌تری پیدا کرده و به اهمیت فیلم مستند در دنیای سینما دست یافته‌اند؟

آیا می‌توان امید داشت که اعضای هیات انتخاب به خوبی فیلم‌های مستند یک سال گذشته‌ی ایران را رصد کرده‌اند، با مختصات و زیروبم این سینما آشنایند و شایستگی‌های فیلم «در جستجوی فریده» را آن‌طور که باید دریافته‌اند و سپس آن را انتخاب کرده‌اند؟».

در ادامه در این بیانیه تصریح شده است: «انجمن مستندسازان سینمای ایران ذکر چند نکته در این زمینه را خطاب به انتخاب‌کنندگان و نهادهای تصمیم‌گیرنده و تاثیرگذار در ارتباطات بین‌الملل سینمای ایران لازم می‌داند:

۱ اگر بناست به فیلم‌های مستند ایرانی هم به‌عنوان نماینده ایران در اسکار نگاه شود، خوب است که در میان هیات انتخاب افراد واقف به زیروبم فیلم مستند و آشنا به دستور زبان آن هم بیشتر باشد.

۲ فیلم‌های مستند بسیاری، بدون کوچک‌ترین کمک از نهادهای دولتی توانستند در جشنواره‌های بسیاری بدرخشند. همچنان‌که در سال‌های اخیر چند فیلم مستند از سوی جشنواره‌های تخصصی برای ارائه به اسکار در مسیر واقعی رقابت قرار گرفتند.

اما بی‌عملی نهادهای تاثیرگذار و از آن مهم‌تر ناآگاهی آنان از مسیرهای واقعی و ارگانیک رقابت فیلم مستند برای اسکار این فرصت‌ها را بر باد داد.

انجمن مستندسازان در زمان لازم با نامه‌های متعدد به دستگاه‌های اجرایی و از جمله وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به این موضوع هشدار داده بود. امیدواریم انتخاب این فیلم به‌عنوان نماینده سینمای ایران، مقدمه‌ای باشد برای توجه بیشتر به ظرفیت‌های فیلم مستند و حمایت از آن در آینده.

۳ بپذیریم که سینمای مستند ما خالق آثاری درجه اول و قابل رقابت در سطح بین‌المللی است. خطاست اگر به‌جای حمایت از این سینمای شریف در مسیر درست خودش بخواهیم این سینما را با متر و معیارهای سینمای داستانی و خارج از هویت واقعی خودش داوری کنیم. متاسفانه در سال‌های اخیر یک نگاه مدیریتی تلاش دارد با تحمیل فضای سینمای داستانی و از جمله موضوع نمایش و میزان فروش در سالن سینما، سینمای مستند را به مسیری بیندازد که با مسیر واقعی آن فرسنگ‌ها فاصله دارد.

در پایان، ضمن تبریک دوباره به سازندگان فیلم منتخب، امیدواریم بازشدن فضای گفتگو درباره این انتخاب و همچنین نحوه حمایت از حضور بین‌المللی فیلم‌های مستند، به درخشش بیشتر فیلم‌های مستند ایرانی و در نهایت افزایش مخاطبان این سینما بینجامد».